

سرمقاله

آغاز جشن سینمای ایران
و وفات سینمایی
خجسته بادامیر افشار فتوحی
دبیر تحریریه

از قدیم گفته‌اند «سالی که نکوست از بهارش پیداست»، از انتخاب دبیر چهل و سومین جشنواره فجر که از بدنه سینمای ایران انتخاب شد تا حضور پیشکسوتان در جشنواره و نظمی که در مدت کم مدیریت منوچهر شاهسواری در سمت دبیر و قطعا تجربه خوب مسعود نجفی به عنوان مدیر روابط عمومی این رویداد در معرفی زمانبندی شده آثار بخش مسابقه و همچنین توجه ویژه به فیلمهای کوتاه و مستند که اگر چه هنوز در این بخش ضعفهایی دیده می‌شود اما تغییر در آیین نامه برای توجه بیشتر به حوزه فیلمهای کوتاه و مستند که البته از مدیریت گذشته به یادگار مانده و در این دوره از جشنواره عملیاتی شد حکایت از تعامل در بدنه مدیریتی و همچنین وفاقی دارد که دولت چهاردهم بر مبنای آن ایجاد و رای اعتماد از مردم و مجلس گرفته است و این مهم نوید جشنواره‌ای منظم و حتما پر شور و همچنین سال سینمایی پر بار را در پیش روی علاقه‌مندان به سینمای ایران می‌دهد.

رویدادی که از امروز آغاز می‌شود و انتظار می‌رود مدیران و دست‌اندرکاران سینمای ایران با اتکا به حضور مخاطبان علاقه‌مند به سینما و حضور کارگردانان پیشکسوت در کنار جوانان جویای نام و همچنین نمایش فیلمهایی که به لحاظ گونه سینمایی تنوع قابل توجهی در جدول آکران جشنواره به وجود آورده‌اند فرصت را غنیمت دانسته و بتوانند در مسیر رسیدن به دوران طلایی دهه‌های ۶۰، ۷۰ و حتی اوایل ۸۰ گام موثری برداشته و با سیاستگذاری منطقی و قطعا پشت کار و «سیاست‌گذاری» بدور از تعصبات دست و پا گیر در جهت ارتقا و وفات بین سینماگران از یک سو و آشتی مخاطب با سینمای ایران از سوی دیگر، گام موثری بردارند.

امروز بعد از سالها و بعد از بیماری هم‌گیر کرونا که سینمای ایران را به محاق برد و همچنین اتفاقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این سالها و البته پس از آمار دلچسب تماشاچی سینما در استقبال از فیلم‌ها که امسال نیز رکورد تازه‌ای از خود بر جای گذاشت، جشن سینمای ایران و تحویل سال سینما با فیلمی به نام «صیاد» که درباره یک قهرمان ملی در روزگار معاصر است آغاز می‌شود. این آغاز میمون بر اهالی سینما و علاقه‌مندان آن خجسته باد.

بررسی اجمالی سینمای ابوالفضل جلیلی به بهانه حضور فیلم «داد» در جشنواره فیلم فجر

سینمای شاعرانه از فیلمسازی ساده و بدون غل و غش

میان حضور مهدی اسدی در فیلم «بهار» یک نکته متفاوت باشد. بازیگری که بعدها در فیلم «شیرک» داریوش مهرجویی در کنار استاد انتظامی درخشان ظاهر شد.

در اغلب آثار جلیلی با لوکیشن شیک و آپارتمانی و زیبایی رو به رو نیستیم و حداکثر دکور خانه‌های قدیمی محلات جنوب شهر است و درام آثارش در بیابان و کوچه‌های تنگ محلات پایین شهر و یا کوره یز خانه‌ها رخ می‌دهد.

در اغلب آثار جلیلی او سوای نوشتن و کارگردانی، تدوین آثارش را نیز انجام می‌دهد و گهگاهی نیز فیلمبرداری آثارش را خود بر عهده می‌گیرد که شاید این متفاوت بودن به خصلت سینمای مستقل و یا نگاه مولف گونه جلیلی بر می‌گردد.

فیلمهای جلیلی را می‌توان دوست نداشت و با مشکلات کودکان فیلمش همراه نشد. اما از نگاه شاعرانه و تغزلی او در باره قهرمان فیلم‌هایش نمی‌توان صرف نظر کرد و به همین لحاظ جلیلی جایگاه متفاوتی در بین سایر فیلمسازان سینمای ایران دارد.

حالا بعد از گذشت دو دهه، او در سن شصت و هفت سالگی با فیلم جدیدش به نام «داد» به جشنواره فیلم فجر ورود کرده است. داستان این فیلم در کانون اصلاح و تربیت نوجوانان می‌گذرد و درباره بچه‌هایی است که پدر و مادر، یا وثیقه مالی یا ملکی ندارند و برای رفتن به مرخصی باید قسم یاد کنند که بعد از مرخصی به زندان برنگردند. یکی از بچه‌ها حاضر به قسم خوردن نیست. روز بعد قاضی با مسئولیت خودش به او مرخصی می‌دهد، با این شرط که بعد از اتمام مرخصی شرافتمندانه به زندان برنگردد. ابوالفضل سلیمی، کاوه دارابی، مسعود ناجی، شهاب طباطبایی، محمدرضا بختیاری و حسین میرزایی بازیگران فیلم «داد» هستند.

ابوالفضل جلیلی به دلیل عدم سفارش پذیری هیچگاه فیلمساز محبوب جشنواره فیلم فجر نبوده و در این سالها در مزه‌اش در حوالی سازه روزگار گذرانده است و امسال به همراه رسول صدر عاملی و ابراهیم حاتمی کیا جزو ریش سفیدهای جشنواره محسوب می‌شود. جلیلی انسان محبوب و جذابی برای معاشرت است و همیشه ساده و بی‌پیرایه و بدون غل و غش در میان مردم حاضر و درباره مسائل مختلف حتی غیر از سینما حرف می‌زند و شما هیچگاه از هم صحبتی با او احساس خستگی نمی‌کنید و معاشرت با او همیشه لذت بخش است.



ابوالفضل جلیلی شمایل درستی از فیلمسازان جوان سینمای بعد از انقلاب است که با رویکردی متفاوت وارد فعالیت فیلمسازی شد. در دهه شصت عموم فیلمها یا درباره تقابل ساواکی‌ها و انقلابیون و یا درگیری ما بین خان و رعیت و بعدتر فیلمهای معناگرایانه و جنگی بود. ابوالفضل جلیلی جوان در چنین اوضاعی در ابتدای دهه شصت با ساخت فیلم «میلا» وارد چرخه فیلمسازی سینمای ایران شد و قهرمان فیلمش نوجوانی پر شر و شور و اهل مطایبه‌گری بود. این روند پرداختن به زندگی، دغدغه‌ها و تفکرات نوجوانها در تمام آثار جلیلی تا به امروز قابل مشاهده و پیگیری است و با پرداختن متفاوت، با دوربینش به زندگی نوجوانها که نه شمایل قهرمانانه‌ای دارند و نه جذاب و خوش پوش هستند سرک می‌کشد. نوجوانهای ساده و بی‌تکلفی که به دنبال آرمان و خواسته‌هایشان که می‌تواند بقا در یک ندامتگاه باشد و یا یک کارگاه آجرپزی در یک نا کجا آباد دور افتاده و خشن و کودک و نوجوان مجبور است با شرایط سخت کنار بیاید و شاید از این راه به بلوغ ذهنی و جسمانی برسد.

نکته مهم دیگر آثار جلیلی پرداختنش به مسائل اجتماعی مثل کودکان کار در فیلم «قص خاک» است که زندگی سخت و طاقت فرسای آنها را به تصویر می‌کشد و یا چالش نداشتن شناسنامه برای کودکان در فیلم «دان» است. از نکات قابل تامل آثار ابوالفضل جلیلی این است که اغلب قهرمانان آثار او متعلق به طبقه فرودست و پایین جامعه هستند که برای بقا تلاش می‌کنند و خود ساخته و مستقل و مقاوم هستند.

جلیلی هیچ‌گاه در این چهار دهه دوران فیلمسازی به سینمای بدنه و تجاری نرفت و در چنین شرایطی مجبور بود که فیلم‌های مستقل و کم هزینه را با کمترین امکانات در شرایط سخت بسازد و از این حیث فیلمساز متفاوتی در سینمای ایران است که نخواست طبق ذائقه و نبض بازار فیلم بسازد و به آرمان‌هایش در فیلمسازی پشت کند.

در تمام فیلم‌های جلیلی او از نابازیگران که عموما در همان منطقه و محل فیلمبرداری بودند استفاده می‌کند و تبحر خاصی برای بازی گرفتن از چنین کودکان و نوجوانان دارد و یکی از بخش‌های موفق آثارش همین بازی‌های رئالیستی و درست بازیگران کودک و نوجوان است که برخی از آنها در جشنواره‌های خارجی دیده شده‌اند. شاید در این

تجلیل از پیشکسوتان سینما در مراسم افتتاحیه جشنواره فجر ۴۳

در ستایش سه ستاره سینمای ایران

شب گذشته مراسم افتتاحیه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر برگزار شد و از سه پیشکسوت سینمای ایران تقدیر به عمل آمد. منوچهر شاهسواری دبیر چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در این باره گفت: انتخاب کسانی که در سینمای ایران تقدیر و تکریم می‌کنیم کار سختی

است. سال‌هاست که این عزیزان از سوی مخاطبانشان تقدیر می‌شوند. رضا بابک بازیگر، منوچهر والی‌زاده دوبلور و سیروس الوند کارگردان سینمای ایران سه هنرمندی هستند که در این دوره از جشنواره مورد تکریم ما به نمایندگی از مردم قرار گرفتند.

سیروس الوند، متولد ۱۱ بهمن ۱۳۲۹ کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس فعالیت خود را به عنوان منتقد در سینمای قبل از انقلاب و در مجلات ستاره سینما و فردوسی آغاز کرد. او بعدها با فیلم‌نامه‌نویسی فعالیت خود را ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ موفق به ساخت اولین فیلم سینمایی بلند خود «سنجر» شد. فیلمی که توقیف شد و به آکران در نیامد و در سال ۱۳۵۶ فیلمی با نام «فریاد زیر آب» را ساخت که در آن سال استقبال زیادی از فیلم شد. الوند پس از انقلاب و در سال ۱۳۷۱ با فیلم «یکبار برای همیشه» موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی از یازدهمین جشنواره فیلم فجر شد. ۲۸ فیلم در کارنامه کارگردانی الوند ثبت شده که از آن جمله می‌توان به فیلم‌های یاد زهر، هتل کارتون، ساغر، مزاحم، پرتقال خونی، تله، آنجا همان ساعت که آکران عمومی نشد و... اشاره کرد.

منوچهر والی‌زاده مدیر دوبلاژ، دوبلور، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، مجری و گوینده رادیو است. او در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۷ از دوران دبیرستان بعد از چند تئاتر آماتور به تئاتر تهران راه یافت و در یک نمایشنامه به کارگردانی خانم مورین نقش کوتاهی به عهده گرفت و پس از آشنایی با منصور متین که از هنرمندان تئاتر و دوبلاژ فیلم بود به استودیوی شاهین فیلم در خیابان بهار برای دوبله دعوت شد و پس از همکاری در چند فیلم کوتاه نزد او به علی کسمایی معرفی شد. اولین بازیگری او در سینما بازی در فیلم خداداد (۱۳۴۱) بوده است و تا سال ۱۳۵۶-۱۳۵۶ نزدیک به ۱۸ فیلم سینمایی بازی کرد. شخصیت جیم وست با بازی رابرت کنراد در مجموعه تلویزیونی وست زبل و زرنگ، با صدای او، به محبوبیت زیادی در ایران دست یافت. گویندگی به جای بازی ر تبون در مجموعه فیلم‌های شرلوک هلمز، رابرت دنیرو (جوانی ویتو کورلئونه) در فیلم پدر خوانده ۲، جان میلز (پیپ) در فیلم آرزوهای بزرگ و کیانو ریوز در سه‌گانه ماتریکس و... از زمره آثار بیاد ماندنی وی هستند. وی در تمام فیلم‌های شرکت که در سندیکا دوبله شده است، گوینده شخصیت گربه چکمه‌پوش با بازی آنتونیو باندراس بوده است.

رضا فشننگی با نام هنری رضا بابک متولد ۱۴۰ اسفند ۱۳۲۴ بازیگر تئاتر، سینما، تلویزیون دانش‌آموخته رشته بازیگری و کارگردانی است. در اوایل حضور خود در سینما و تئاتر چندین بار در تئاترهای جنوب کشور و شهرهای مسجد سلیمان و آبادان حضور مستمر داشت. وی فعالیت هنری خود را با بازی در تئاتر آغاز کرد و با تأسیس اولین گروه هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به اجرای نمایش پرداخت. بابک سینما را با فیلم سینمایی «چریکه تارا» به کارگردانی بهرام بیضایی تجربه کرد. او همچنین قبل و بعد از انقلاب به عنوان کارگردان، نویسنده و بازیگر در تلویزیون فعالیت کرد. این بازیگر پیشکسوت ۱۸ فیلم سینمایی را در کارنامه بازیگری خود دارد که از آن جمله می‌توان به ارثیه، سفر عشق، ریحانه، گربه آوازه‌خوان، لبه تیغ، مرد آفتابی، شوریده، به رنگ ارغوان، دعوت، سودابه، مفتبر و... اشاره کرد.